

سفال مکران در دوره‌ی اشکانی و همگونی‌های آن با مناطق همجوار^۱

دکتر رضا مهرآفرین

دانشیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه سیستان و بلوچستان

فاطمه علیزاده

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد باستان‌شناسی دانشگاه سیستان و بلوچستان

Fatemehalizadeh28@yahoo.com

دکتر روح‌الله شیرازی

استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه سیستان و بلوچستان

تاریخ دریافت: ۹۱/۰۶/۱۴، تاریخ پذیرش: ۹۱/۱۰/۱۰

(از ص ۷ تا ۲۴)

چکیده

بلوچستان جنوبی با نام باستانی مکران، از لحاظ محیط طبیعی و جغرافیایی سرزمین بسیار متنوعی است. موقعیت ویژه‌ی جغرافیایی آن به عنوان دروازه و گذرگاه طبیعی شبه قاره هند از دیرباز نگاه‌ها را به سوی خود جلب کرده بود. این ناحیه در کتیبه‌های میخی داریوش هخامنشی (بیستون) به صورت مکا و بعد از آن به صورت مکران آمده است. منطقه مکران به دو بخش شمالی و جنوبی تقسیم می‌شود. دو شهرستان نیکشهر و چابهار در بخش جنوبی این سرزمین قرار دارند. نیکشهر در قسمت شمالی و چابهار در جنوبی‌ترین بخش استان به صورت نواری در ساحل دریای عمان از مهم‌ترین شهرهای تجاری ایالت مکران، از گذشته‌های دور در منطقه مورد توجه بوده است. استقرارهای دوران تاریخی منطقه نشان‌گر شکوه و رونق مکران و حضور پر رنگ ایران از دوران اشکانی در سواحل دریای مکران می‌باشد. با مطالعه و تحلیل مقایسات گونه‌شناختی بر روی ۸۸۹ قطعه سفال مکران که حاصل بررسی‌های میدانی باستان‌شناسی شهرستان‌های نیکشهر و چابهار بود، به نتایج بسیار خوبی دست یافتیم که در این مقاله شرح آن‌ها خواهد آمد. بر اساس تجزیه و تحلیل گزارش‌های آماری و مقایسه نمونه‌های شاخص سفالینه‌های بلوچستان جنوبی با مناطق هم‌جوار آن می‌توان گفت که سواحل مکران (بلوچستان) جنوبی در دوره اشکانی، ارتباطات فرهنگی گسترده‌ای با مناطق هم‌جوار خود در سواحل خلیج فارس و دریای عمان از جمله امارات (اددور، شارجه و دبیا) و عمان (سوهار) و همچنین تا هرمزگان در جنوب غربی و پاکستان در جنوب شرق داشته است.

کلیدواژگان:

صنعت سفالگری، مکران جنوبی، سفال، دوره اشکانی، ارتباطات فرهنگی، مقایسه گونه‌شناختی سفال.

۱. این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد باستان‌شناسی فاطمه علیزاده با عنوان: مطالعه‌ی نمونه‌های سفالین دوران اشکانی بلوچستان (موردشناسی: سفال‌های سطحی شهرستان‌های چابهار و نیکشهر) می‌باشد.

مقدمه

ماکا یا مکران^۱، یکی از ساتراپی‌های شرقی هخامنشی محسوب می‌گردید که هم‌اکنون به آن بلوچستان گفته می‌شود (مهرآفرین و موسوی حاجی، ۱۳۸۸: ۵۶). سرزمین بلوچستان از تنوع جغرافیایی و فرهنگی خاصی برخوردار است. این حوزه در دوران تاریخی یکی از محورهای اصلی بازرگانی دریایی و مرکز تبادلات فرهنگی و اقتصادی با نواحی هم‌جوار خود به‌شمار می‌رفت. از این‌رو، شباهت‌های بسیاری بین مواد فرهنگی (به‌ویژه سفال) این منطقه با مناطق دیگر دیده می‌شود. در این مقاله سعی گردیده تا با بررسی وجوه افتراق و اشتراک ویژگی‌های مختلف نمونه‌های سفالین منطقه مکران جنوبی و مناطق هم‌جوار آن در دوره اشکانی، به اهمیت این منطقه در شکل‌گیری این روابط توجه بیشتری شود. اگرچه تاکنون بررسی‌های متعددی در منطقه صورت گرفته، اما سفال دوره اشکانی آن به‌طور مجزا مورد مطالعه قرار نگرفته است. از مهم‌ترین محوطه‌های باستانی شهرستان نیکشهر که در دو فاز بررسی مورد شناسایی قرار گرفت می‌توان به کوشک، دمبیگان (بخش قصرقند) هیتان، دیمان، کلات خرگوشان (بخش فنوج) تورهیت، باران دن، کلات بگ (بخش لاشار) و از شهرستان چابهار به محوطه‌های قلعه گواتر، گرگیج، کله راهی (بخش دشتیاری) دمبی کوه مرکز، دمبی کویانسر (بخش مرکزی) دمبی وشین جات (بخش پلان) اشاره نمود (شیرازی، ۱۳۸۹: ۳).

روش تحقیق

در این تحقیق ابتدا ویژگی‌های فنی و تکنیکی نمونه‌های سفالینی که در سه مرحله مجزا طبقه‌بندی، گونه‌شناسی و مقایسه گونه‌شناختی قرار گرفتند، بر اساس متغیرهای تعریف شده با جزییات فراوان مورد بررسی قرار گرفتند. سپس تحلیل نتایج و گزارش‌های آماری بدست آمده از مقایسات گونه‌شناختی (به وسیله جدول، نقشه و طرح) به تفصیل آورده شد. برای این منظور از جداولی جهت نشان دادن درصد ارجاعات گونه‌شناختی در هر بخش به تفکیک استفاده شد و طرح نمونه‌های مقایسه شده به همراه نمونه‌های مرجع در جداولی گویا تنظیم گردیدند.

پیشینه تحقیق

دوره‌ی اشکانی به دلیل شیوه حاکمیت ملوک‌الطوایفی و منطقه‌ای از نظر فرهنگی بر عکس ادوار دیگر تقریباً دارای ویژگی‌های متفاوتی در تکنیک سفالگری مناطق مختلف قلمرو خود می‌باشد. این مسئله نیاز مطالعه‌ی بیشتر سفال آن را در این دوره‌ی بخصوص آشکار ساخته است. به ویژه آن‌که سفال این دوره به دلیل محدود بودن ارزش زیبایی‌شناسی آن مانند ادوار دیگر دوره تاریخی ایران به شایستگی مورد توجه قرار نگرفته است. نخستین گزارش‌های موجود که اهمیت باستان‌شناختی منطقه مکران را عیان ساخت از سوی موکлер ارایه گردید. پژوهش‌های باستان‌شناسی روشمند در این منطقه با بررسی‌های اورل اشتاین در دهه ۱۹۳۰ میلادی آغاز شد (Stein, 1937:22). از جمله این پژوهش‌ها می‌توان به حفاریات وی در بمپور، دامن، خوراب، چاه حسینی، دامبکوه و چند محوطه‌ی دیگر در مکران اشاره کرد. در سال ۱۹۸۲ ارنی هرینک باستان‌شناس بلژیکی با

1. Makoran.

مطالعات گسترده و شرکت در کاوش‌های مختلف در سراسر ایران، برای اولین بار سفال اشکانی را از نظر جغرافیایی و گاهنگاری به‌طور منسجم طبقه‌بندی نمود. وی در هر منطقه از ایران سفال‌هایی را معرفی کرد که مشخصه‌ی آن منطقه بوده و با سفال‌های مناطق هم‌جوار خود واقع در قلمرو اشکانیان تفاوت داشت. منطقه جنوب شرق و ناحیه ساحلی دریای عمان، حوزه‌ی مجزایی در تحقیقات هرینگ معرفی شده که دارای ویژگی‌های سفالی متفاوتی نسبت به دیگر مناطق ایران است. این منطقه شامل کرمان و بلوچستان ایران می‌باشد. اگرچه تاکنون بررسی‌های متعددی در منطقه صورت گرفته (شیرازی: ۱۳۸۰)، اما سفال دوره اشکانی آن به‌طور مجزا مورد مطالعه و بررسی قرار نگرفته است.

موقعیت جغرافیایی مکران جنوبی

سرزمینی که امروزه در ایران به‌نام بلوچستان و در پاکستان به‌نام ایالت بلوچستان (یکی از چهار ایالت آن کشور) از آن یاد می‌شود، در روزگاران گذشته به‌عنوان یک ناحیه واحد جغرافیایی شناخته می‌شد. این ناحیه در دوره‌ی باستان، از مناطق دورافتاده‌ی امپراطوری هخامنشیان محسوب می‌گردید که نام آن در کتیبه‌های میخی (بیستون) به‌صورت مکا (Maka) آمده است (ملک‌رئیس، ۱۳۸۵: ۱۰۹). منظور از مکران، بخش‌های جنوبی بلوچستان است که در آن رشته کوه‌های مکران قرار دارد و به دو بخش شمالی و جنوبی تقسیم می‌شود. شهرستان‌های نیکشهر و چابهار در بخش جنوبی قرار دارند. شهرستان چابهار با مساحت تقریبی ۱۷۱۰۰ کیلومتر مربع، در جنوب شرقی ایران و در فاصله‌ی ۶۰ تا ۶۱ درجه طول شرقی و ۲۵ تا ۲۶ درجه عرض شمالی قرار گرفته است (مرکز آمار ایران، ۱۳۵۶: ۳۴). نیکشهر در فاصله‌ی ۷۱۵ کیلومتری زاهدان و در جنوب بلوچستان قرار دارد. شهرستان نیکشهر از شمال به بخش بمپور ایرانشهر، از شرق به بخش‌های سرباز و راسک شهرستان ایرانشهر، جنوب و جنوب شرقی به بخش‌های مرکزی و کنارک و از غرب به شهرستان‌های جیرفت و کهنوج واقع در استان کرمان محدود می‌شود (حمیدی و رضانی‌فرد، ۱۳۸۵: ۱۶-۱۷).

ویژگی‌های فنی و تکنیکی سفال اشکانی حوزه مکران جنوبی

مطالعات مقدماتی و همچنین مطالعه‌ی آماری مجموعه سفال‌های گردآوری شده از نظر تکنیک ساخت، شیوه‌های تزیین، نوع تزیین و نقوش و شکل ساختاری ظروف، این فرضیه را مطرح نمود که سفال‌های مکران علاوه بر دارا بودن شاخصه‌های خاص، دارای تشابهات بسیاری با مناطق هم‌جوار خود، از جمله سواحل دریای عمان، پاکستان، افغانستان، سیستان، کرمان و هرمزگان دارد. مطالعات آماری نشان می‌دهد که براساس ویژگی‌ها و متغیرهای فنی و تکنیکی مانند کیفیت ساخت، ۵۶/۶ درصد مجموعه را سفال‌های ظریف؛ ۲۳/۷ درصد ساخت متوسط؛ ۱۰/۷ درصد سفال ظریف؛ ۸/۲ درصد خشن و ۰/۶ درصد را سفال‌های نامشخص تشکیل می‌دهد. نتیجه‌گیری در این بخش بر مبنای شاخصه‌هایی مانند: میزان سلامت (استحکام)، بافت، میزان پخت سفال و کیفیت پرداخت صورت گرفته است. جنس خاک و کانی‌های ترکیب‌دهنده خاک تاثیر فراوانی در این شاخصه‌ها دارند.



▲ نقشه ۱: حوزه مکران جنوبی

نقشه ۲: موقعیت جغرافیایی هفت منطقه مقایسات گونه‌شناختی و محوطه‌های آن‌ها (منطقه مکران و مناطق هم‌جوار). ▼



نامی باستانی

شماره ۳، دوره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۱

از نظر شیوه تزیین و نقوش، حدود ۶۶ درصد سفال‌ها فاقد تزیین و ۳۴ درصد آن‌ها دارای تزیین می‌باشند. از ۳۴ درصد سفال‌های تزیین‌دار، ۵۴/۶ درصد تزیینات ایجاد شده را رنگ (نقاشی) تشکیل می‌دهد و تزیینات غیررنگی را انواع نقش کنده، افزوده و برجسته در برمی‌گیرد. تزیینات ترکیبی (کنده و نقاشی، نقاشی و داغدار) و داغدار به تنهایی نیز در بین نمونه‌ها یافت شده است. بیشترین تزیینات غیررنگی، تزیین نقش کنده با ۳۳/۷ درصد بود. رنگمایه‌ی نقش‌ها شامل رنگ سیاه (۵۰/۸ درصد)، قرمز جگری (۱۷/۵ درصد)، قهوه‌ای سوخته (۲۰/۴ درصد)، قرمز (۹/۹ درصد)، قهوه‌ای (۴/۶ درصد)، سبز زیتونی (۱/۳ درصد)، قرمز آجری (۰/۵ درصد) و رنگ نامشخص (۱/۱ درصد) بود. رنگ غالب را رنگ‌های قهوه‌ای سوخته، سیاه و قرمز جگری تشکیل می‌دهد. در بین نقوش، درصد قابل توجهی را نقوش دو رنگ تشکیل می‌دادند، اما بیشتر نقوش تک‌رنگ بودند. تزیین غالب نیز نقاشی و نقش کنده است. وجود بیشترین درصد کیفیت ساخت در متغیرهای ظریف، متوسط و بسیار ظریف نشان دهنده‌ی این مطلب است که صنعت سفالگری در این منطقه در سطح بالایی قرار داشته است.

از نظر سبک تزیین و نوع نقش‌مایه از مجموع ۳۰۱ قطعه سفال تزیین‌دار، ۲۹۴ قطعه دارای نقش‌مایه‌ی هندسی و نمادین، دو نقش‌مایه گیاهی و یک نقش‌مایه حیوانی بودند. نقش حیوانی بز به‌دست‌آمده از این داده‌ها، در نقوش اشکانی منطقه هرمزگان (کاوش‌های محوطه نخل ابراهیمی (سرلک: ۱۳۸۷) نیز دیده شده است. از نظر تکنیک ساخت، مطالعات صورت گرفته نشان می‌دهد که احتمالاً ۸۷/۲ درصد سفال‌های منطقه مکران جنوبی با استفاده از چرخ پیشرفته ساخته شده و حدود ۹/۳ درصد که اکثراً شامل خمره‌های بزرگ ذخیره می‌باشند، با چرخ فنیله‌ای و تعداد زیادی هم با دست تولید شده‌اند. به لحاظ کیفیت پخت، ۸۵/۶ درصد داده‌ها دارای درجه پخت مناسب (کافی) و ۱۴/۴ درصد آن‌ها دارای پخت ناقص یا ناکافی هستند که بیان‌گر کنترل سفال‌گران بر کوره‌های پخت سفال، مهارت سفال‌گران در کار خود و اهمیت سفال و سفال‌گری در این دوره است. از نظر نوع شاموت نیز بیشترین درصد را شاموت کانی از جمله ماسه بادی، ماسه نرم و شن ریز تشکیل می‌دهد. لازم به یادآوری است که وجود ذرات براق در این سفال‌ها قابل توجه است؛ چنان‌که ۲۸۴ قطعه دارای این ذرات می‌باشند. بر اساس تحلیل‌های آماری، این ذرات غالباً در سفال‌های بدون تزیین و دارای پوشش قرمز آجری، آجری، نارنجی و به‌طور کلی سفال‌های دارای کیفیت و پخت خوب مشاهده شدند. این مسئله کاملاً با جغرافیا و خاک منطقه منطبق است و به سفال‌ها جلوه و زیبایی خاصی بخشیده است. احتمالاً در گذشته نیز به این مسئله توجه می‌شده و اهمیت زیادی به آن می‌داده‌اند.

طبقه‌بندی و گونه‌شناسی

مجموع سفالینه‌های دوره اشکانی منطقه براساس دو متغیر لعابدار و بدون لعاب به دو گروه عمده تقسیم شدند. هر دو گروه، براساس دو متغیر ساده و تزیین‌دار به دو زیرگروه و پس از آن هرگروه براساس متغیرهای مجزا مورد گونه‌شناسی قرار گرفتند و متعاقب آن به گونه‌ها و زیرگونه‌های متعدد تقسیم گردیدند. سفال‌های لعاب‌دار ساده براساس متغیر رنگ لعاب و سفال‌های لعاب‌دار تزیین‌دار براساس متغیر نوع

تکنیک تزیین و در مرحله بعد براساس طرح نقش تقسیم می‌شوند. سفال‌های بدون لعاب ساده که در رنگ‌های مجزا طبقه‌بندی شده‌اند نیز براساس متغیر نوع قطعه و ریخت‌شناسی لبه (مورفولوژی) و در نهایت اشکال رایج مانند: کوزه، کاسه، خمره، بشقاب و دیگ و برخی اشکال بومی تقسیم گردیدند. نمونه‌های بدون لعاب تزیین‌دار با پوشش‌های رنگی مختلف براساس متغیر طرح نقش به گونه‌ها و زیرگونه‌های شاخص متعددی از جمله: لوندو، منقوش یک‌رنگ، سفال ظریف منقوش دو رنگ، نَمرد، کنده و گونه احتمالاً بومی مورد گونه‌شناسی قرار گرفتند (علیزاده، ۱۳۹۱: ۳۷). در این مقاله به تحلیل نتایج مقایسات گونه‌شناختی داده‌ها براساس گزارش‌های آماری و ارجاعات پرداخته شده است. بنابراین، در مبحث طبقه‌بندی و گونه‌شناسی تنها به روش‌شناسی اکتفا می‌شود، چراکه در غیر این صورت خود نیازمند تفصیل جداگانه‌ای است.

مقایسه گونه‌شناختی

مقایسه گونه‌شناختی عبارت است از داده‌های انتخاب شده (شاخص‌های تعریف شده) یک قطعه سفال با همان داده‌ها (شاخص‌های تعریف شده) سفال‌های دیگر که طی حفاری علمی یا بررسی سیستماتیک باستان‌شناختی همراه با گاهنگاری نسبی و یا مطلق از دیگر محوطه‌ها به دست آمده‌اند. در واقع مقایسه گونه‌شناختی به دو منظور صورت می‌گیرد: ۱- آرایه گاهنگاری نسبی از داده‌ها ۲- سنجش میزان و چگونگی ارتباطات و تماس‌های فرهنگی، تجاری و ... و تاثیر و تاثیر بین مناطق مختلف و یا هم‌جوار. در مقایسه گونه‌شناختی توجه زیادی به گونه و ساختار نقوش و شکل ظروف می‌شود. از این‌رو، در درجه نخست تاکید بر ساختار اصلی شکل قطعه و شکل ظرف و نقش مایه و طرح نقش می‌گردد و اختلافات جزئی نادیده گرفته می‌شوند. با این حال، شاخصه‌های دیگری مانند: رنگ خمیره، پوشش، میزان پخت و یا نوع شاموت نیز مورد توجه قرار می‌گیرد. بنابراین، با قطعیت می‌توان گفت نمونه‌هایی که به آن‌ها ارجاع داده شده بیش از ۹۵ درصد از نظر ساختار و شکل نزدیکی زیادی با مرجع خود دارند. در زیر به شرح این مقایسات پرداخته شده است:

تحلیل نتایج آماری مقایسات گونه‌شناختی

به‌طور کلی ۱۳ منطقه در این تحقیق مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته‌اند که هر کدام شامل محوطه‌های متعددی و در مجموع بالغ بر ۵۷ محوطه می‌شود. در این پژوهش سعی شده تا حتی‌الامکان از منابع علمی و به روز و همچنین کاوش‌های باستان‌شناسی استفاده شود. ابتدا درصد ارجاعات هر منطقه به نسبت کل مناطق مشمول جامعه آماری این تحقیق و سپس درصد ارجاعات هر یک از محوطه‌های در نظر گرفته شده هر منطقه به نسبت درصد کل همان منطقه مورد سنجش قرار گرفت. به این ترتیب می‌توان بیشترین و کمترین ارجاعات و هم‌خوانی مشابهت‌های سفالی منطقه مکران جنوبی را نسبت به مناطق هم‌جوار آن مشاهده نمود و با مطالعه دقیق جداول به تحلیل‌های نسبی مورد نظر رسید. در نقشه شماره ۲ می‌توان موقعیت جغرافیایی هر منطقه را مشاهده نمود. این مناطق به ترتیب بیشترین ارجاعات گونه‌شناختی شامل: ۱- جنوب شرق ایران

۱- جنوب شرق ایران	۲۷/۱۳٪
۲- شرق ایران	۱۴/۳۷٪
۳- سواحل دریای عمان	۱۳/۴۴٪
۴- جنوب ایران	۹/۴۷٪
۵- پاکستان	۶/۸۵٪
۶- افغانستان	۵/۶۶٪
۷- جنوب غرب ایران	۴/۷۳٪
۸- غرب ایران	۴/۵۶٪
۹- مرکز ایران	۳/۸۹٪
۱۰- شمال غرب ایران	۳/۴۷٪
۱۱- شمال شرق ایران	۲/۵۴٪
۱۲- ترکمنستان	۲/۴۵٪
۱۳- شمال ایران	۱/۴٪

جدول ۱: درصد نمونه‌های گونه‌شناختی شده در مجموع مناطق.

۲- شرق ایران ۳- سواحل جنوبی دریای عمان ۴- جنوب ایران ۵- پاکستان ۶- افغانستان ۷- جنوب غرب ایران ۸- غرب ایران ۹- مرکز ایران ۱۰- شمال غرب ایران ۱۱- شمال شرق ایران ۱۲- ترکمنستان ۱۳- شمال ایران می‌باشند.^۲ بر اساس فرضیه پیش‌بینی شده، بیشترین ارجاعات گونه‌شناختی مربوط به مناطق هم‌جوار حوزه مکران جنوبی می‌شود. در ادامه به معرفی هفت منطقه هم‌جوار این حوزه و محوطه‌های انتخابی آن‌ها که بیشترین درصد تشابهات را داشته، پرداخته شده است. لازم به ذکر است که ارجاعات گونه‌شناختی با ذکر دقیق منبع در جدول گونه‌شناختی هر طرح ذیل همان طرح آورده شده و به علت تعدد ارجاعات مربوط به هر منبع، برخی از ارجاع منابع در متن به ذکر منبع تنها با سال انتشار اکتفا شده است.

۱- جنوب شرق ایران

محدوده‌ی این حوزه در تقسیم‌بندی‌های هرینک شامل: استان کرمان، هرمزگان و بخش‌های بلوچستان ایران می‌شود. مکران در شمال شرق و شرق منطقه واقع شده و احتمالاً روابط گسترده‌ای با دیگر نواحی داشته است. بر این اساس در کرمان محوطه‌های بسیار مهم بردسیر (خسروزاده، ۱۳۸۳)، سراسیاب (Karlovski and Humphries, 1968) و رودبار قرار دارند که بر روی سفال‌های آن‌ها سید منصور سید سجادی (سیدسجادی، ۱۳۷۰: ۳۹) و میثم شهسواری (شهسواری، ۱۳۸۸) مطالعاتی را انجام داده‌اند. کاوش‌های تپه یحیی نیز کمک مهمی به حل برخی

جنوب شرق ایران	کرمان	رودبار	۴۵/۴۵٪
۲۷/۱۳٪		بردسیر	۳۰/۵۸٪
		تپه یحیی	۱۴/۸۸٪
ساده (۴۵٪)		سراسیاب	۹/۰۹٪
		دمیکوه	۳۱/۱۴٪
دارای ترین (۵۵٪)	بلوچستان	منطقه ساحلی و جنوب شرق	۸/۸۶٪

جدول ۲: درصد نمونه‌های گونه‌شناختی شده در حوزه جنوب شرق ایران.

۲. برای آگاهی دقیق‌تر از مقایسات گونه‌شناختی ر.ک. به (علیزاده، ۱۳۹۱، ۱۳۸-۸۱)

از مناقشات گونه‌های سفالی این دوره در جنوب شرق ایران نمود که در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته است (Karlovski: 1970). در بلوچستان نیز مطالعات جسته و گریخته‌ای بر روی سفال‌های اشکانی دمیکوه (Basafa, 2008: 208) و مطالعاتی توسط اشتاین صورت گرفته است (Stein: 1937). این حوزه با ۲۷/۱۳ درصد بیشترین تشابهات را با نمونه‌های سفالین منطقه مکران جنوبی دارد. شباهت‌های زیادی از نظر شکل، تکنیک تزیین و رنگ پوشش بین سفال‌های این دو حوزه به چشم می‌خورد. در مقایسات گونه شناختی از ۳۲۱ نمونه منتخب، ۱۳۳ مورد از نظر شکل و ۱۸۸ مورد از نظر تکنیک و نوع تزیین و نقشامیه و طرح نقش با یکدیگر قابل مقایسه‌اند. از نظر طرح نقش می‌توان به دوایر حلزونی ممتد میان خطوط افقی موازی و همچنین خطوط موجی شکل افقی و نقوش مشبک و متقاطع (گونه نمرد) اشاره نمود که نمونه‌های مشابهی در منطقه رودبار یافت می‌شود (طرح ۱۴، ۱۱، ۱۰، ۹). از لحاظ فرم نیز ظروف مشابهی در بردسیر یافت شده است (طرح ۵ و ۷)

۲- شرق ایران

این حوزه تقریباً در شمال منطقه مکران جنوبی قرار گرفته است. در حوزه شرق ایران چهار محوطه مورد مطالعه قرار گرفتند. کوه خواجه (Mehrafarin, Mousa- vi haji, Banijamali, 2011)، قلعه سام که توسط شرآتو و کاوشگران ایتالیایی مورد مطالعه قرار گرفت (هرینگ، ۱۳۷۶: ۲۴۰)، تپه گوری، محوطه‌ای اشکانی که اخیراً کاوش شده و سفال‌های اشکانی متعددی از آن بدست آمده است (مهرآفرین، ۱۳۸۶). در این مقایسات همچنین از سفال‌های اشکانی بررسی‌های سیستماتیک

۵۸/۸۲٪	تپه گوری	شرق ایران
۲۴/۱۲٪	حوزه زابل ۱ بررسی‌های سیستان	۱۴/۳۷٪ ساده (۴۰٪) دارای تزیین (۶۰٪)
۱۰/۵۹٪	کوه خواجه	
۶/۴۷٪	قلعه سام	

جدول ۳: درصد نمونه‌های گونه‌شناختی شده در حوزه سیستان. ◀

سیستان در حوزه زابل یک گونه شناختی استفاده شده است (موسوی حاجی و عطایی: ۱۳۸۹). از ۱۷۰ نمونه منتخب مربوط به این حوزه، ۶۵ مورد مربوط به شکل ظروف و ۱۰۵ مورد نیز مربوط به تکنیک تزیین است. بیشترین وجوه اشتراک این سفال‌ها با مکران جنوبی از لحاظ تکنیک تزیین می‌باشد. تپه گوری بیشترین درصد ارجاعات را با منطقه مکران داشته که بیشتر مربوط به شکل ظروف است (طرح ۵ و ۶). سفال‌های کوه خواجه بیشترین شباهت را در تزیینات و به ویژه گونه‌ی شیاردار آن دارد (طرح ۱۵). قلعه سام نیز بیشتر از لحاظ فرم ظروف دارای وجوه اشتراک با سفال اشکانی بلوچستان جنوبی است (طرح ۱ و ۴). در مجموع نتایج آماری نشان می‌دهد که سفال اشکانی سیستان و بلوچستان جنوبی بیشتر در شکل ظروف با یکدیگر همخوانی دارند تا طرح نقش.

اددور	امارات	سواحل جنوبی دریای عمان
(٪۳۹/۶۲)	(٪۶۶/۶۶)	(٪۱۳/۴۴)
دیبا		ساده(٪۵۵)
(٪۳۰/۱۹)		دارای تزیین (٪۴۵)
شارجه		
(٪۳۰/۱۹)		
شمال عمان	شبه جزیره عمان	
(٪۶۹/۸۱)	(٪۳۳/۳۳)	
سوهار		
(٪۳۰/۱۹)		

جدول ۴: درصد نمونه‌های گونه‌شناختی شده در حوزه سواحل دریای عمان.

۳- سواحل دریای عمان

این حوزه شامل سواحل جنوبی دریای عمان می‌شود. سواحل جنوبی دریای عمان شامل دو کشور امارات و عمان است که سفال‌های سه محوطه باستانی دیبا، شارجه و اددور (Jasim, 2006) در کشور امارات و بخش‌هایی در شمال عمان (Decardi, 1972) و محوطه سوهار (Kervran & Heibert, 1991) در آن هدف مطالعه قرار گرفتند. بر اساس نتایج به‌دست آمده، بیشترین وجوه اشتراک سفال مکران جنوبی و سواحل جنوبی دریای عمان در سفال‌های بدون تزیین است. امارات با ۶۶/۶۶ درصد نسبت به عمان ارجاعات بیشتری داشته است. در کشور امارات، محوطه اددور (Lecomte, 1993) نسبت به محوطه‌های دیگر بیشترین شباهت را در سفال‌های ساده با نمونه‌های مکران جنوبی دارد (طرح ۱، ۳، ۶). محوطه‌های دیبا و شارجه از لحاظ تکنیک تزیین و نقش‌مایه شباهت بیشتری نسبت به اددور با نقوش به‌کار رفته در سفال‌های مکران جنوبی داشتند (طرح ۱۳، ۱۵). سفال‌های مناطق شمال عمان نیز نسبت به منطقه سوهار شباهت بیشتری با سفال‌های مکران جنوبی داشتند (طرح ۷، ۸، ۹، ۱۱، ۱۴).

۴- جنوب ایران

در جنوب ایران از سه منطقه‌ی فارس، هرمزگان و بوشهر محوطه‌هایی برای مطالعه و مقایسه انتخاب شدند. از هرمزگان نمونه‌های سفالین محوطه اشکانی کهور لنگرچینی (سرلک: ۱۳۸۷) برگزیده شد. سفال‌های این محوطه از لحاظ شکل لبه، فرم ظرف و رنگ پوشش شباهت زیادی با نمونه‌های سفالین مکران جنوبی داشتند (طرح ۶). سفال‌های به‌دست آمده از محوطه مغ بریمی (نخل ابراهیمی) نیز از نظر فرم، طرح نقوش و رنگ با نمونه‌هایی از سفال حوزه مکران جنوبی شباهت زیادی دارد. طرح ۱ قابل مقایسه با نخل ابراهیمی هرمزگان (سرلک، ۱۳۸۹: ۲۶۱، ۲۹۲، ۲۵۲). فرم کاسه گونه بشقاب ماهی و فرم‌های رایج کوزه شباهت زیادی با اشکال سفالی دوره اشکانی در کاوش‌های نخل ابراهیمی داشته (طرح ۸ و ۱۶)، همچنین طرح نقوش هندسی به شکل خطوط موازی عمودی و طرح حلزونی و مارپیچ لوندو نمونه‌های مشابه فراوانی در میان داده‌های نخل ابراهیمی

جنوب ایران	فارس	تل تخت
(۹/۴۷٪)	(۷۳/۲۱٪)	(۷۱/۹۵٪)
ساده (۷۰٪) دارای ترین (۳۰٪)	هرمزگان	ممسنی
		(۲۳/۱۷٪)
		تل ملیان
		(۲/۴۴٪)
		حوزه رود کر (۲/۴۴٪)
(۲۰/۵۴٪)	دژ نخل ابراهیمی (۶۰٪)	کهور لنگرچینی (۴۰٪)
		بوشهر
		(۶/۲۵٪)

جدول ۵: درصد نمونه‌های گونه‌شناختی شده در حوزه جنوب ایران.

میناب دارد (طرح ۱۰ و ۱۳). فارس مجموعاً شامل چهار محوطه تل نورآباد ممسنی (Khosrowzadeh and Zeidi, 2006: 252)، تل تخت پاسارگاد (استرونخ: ۱۳۷۹)، تل ملیان (هرینگ، ۱۳۷۶: ۲۵۱) و حوضه رود کر (زیدی: ۱۳۸۷) می‌باشد. منطقه فارس در شمال غرب مکران و با فاصله بیشتری نسبت به مناطق هم‌جوار آن قرار گرفته است. از میان این محوطه‌ها تل تخت پاسارگاد دارای بیشترین ارجاعات می‌باشد (طرح ۴ و ۹). بوشهر نیز یکی از مناطق مورد مقایسه این بخش است که تنها از لحاظ شکل و فرم با نمونه‌های سفال مکران جنوبی شباهت داشت (Carter and et al, 2004: 31). این حوزه به علت قرار گرفتن در سواحل خلیج فارس دارای اهمیت ویژه‌ای است. به‌طور کلی در آمارها، حوزه جنوب ایران از لحاظ فرم و شکل ظروف شباهت قابل توجهی با منطقه مکران دارد (طرح ۴ و ۳).

۵- پاکستان

پاکستان در شرق مکران قرار دارد. شباهت‌های بسیاری میان داده‌های فرهنگی این دو منطقه در ادوار مختلف دیده می‌شود. در مقایسات صورت گرفته، محوطه چارسدا (Wheeler, 1962) و بخش‌هایی از بررسی‌های بلوچستان پاکستان مورد مطالعه قرار گرفته است (Decardi, 1951). در پاکستان مجموعاً ۵۶ ارجاع به دو منبع داده شده که ۳۲ ارجاع مربوط به شکل و فرم ظروف و ۲۴ ارجاع مربوط به نقش‌مایه و طرح نقش می‌باشد. بیشترین ارجاعات از نظر شکل لبه و فرم ظروف و رنگ پوشش مربوط به چارسدا است (طرح ۶ و ۸). در نقش‌های حلزونی و خطوط موجی شکل و موازی افقی به صورت یک در میان یا دو به یک (گونه لوندو)، شباهت زیادی میان دو منطقه بلوچستان پاکستان و مکران جنوبی (بلوچستان ایران) دیده می‌شود (طرح ۱۰).

پاکستان	چارسدا	(۶۰/۷۲٪)
۵/۶۶٪	بخش‌هایی از بلوچستان پاکستان	(۳۹/۲۸٪)
ساده (۵۵٪)		
دارای ترین (۴۵٪)		

جدول ۶: درصد نمونه‌های گونه‌شناختی شده در حوزه پاکستان.

۶- افغانستان

افغانستان در شمال شرق مکران جنوبی واقع شده است. تعدادی از سفال‌های نادعلی (Dales, 1977) و شمشیرگار (Dupree, 1958: 209) از این منطقه، با نمونه‌هایی از سفال مکران جنوبی مورد مقایسه گونه‌شناختی قرار گرفتند. بر اساس تاریخ‌گذاری شمشیرگار، اوایل حکومت کوشان‌ها مصادف با اواخر حکومت اشکانیان و اوایل ساسانیان است. این حوزه در میان مناطق هم‌جواری، کم‌ترین شباهت را با منطقه مکران جنوبی دارد. هرچند که نباید این مسئله فراموش شود که ۳۸ مورد مقایسه مربوط به این محوطه می‌باشد. نقوش مشبک و متقاطع و هندسی متنوع که احتمالاً در دوره ساسانی نیز ادامه داشته با دوره‌های اولیه در شمشیرگار گونه‌شناختی شدند (طرح ۱۳ و ۹). سفال‌های نادعلی نیز هم از لحاظ شکل و هم از لحاظ تکنیک تزئین تقریباً با نمونه‌هایی متعلق به اوایل دوره اشکانی در مکران قابل مقایسه است (طرح ۴ و ۱۲).

افغانستان	شمشیرگار	(۷۰/۳۷٪)
۴/۷۳٪	نادعلی	(۲۹/۶۳٪)
ساده (۴۵٪)		
دارای تزئین (۵۵٪)		

جدول ۷: درصد نمونه‌های گونه‌شناختی شده در حوزه افغانستان.

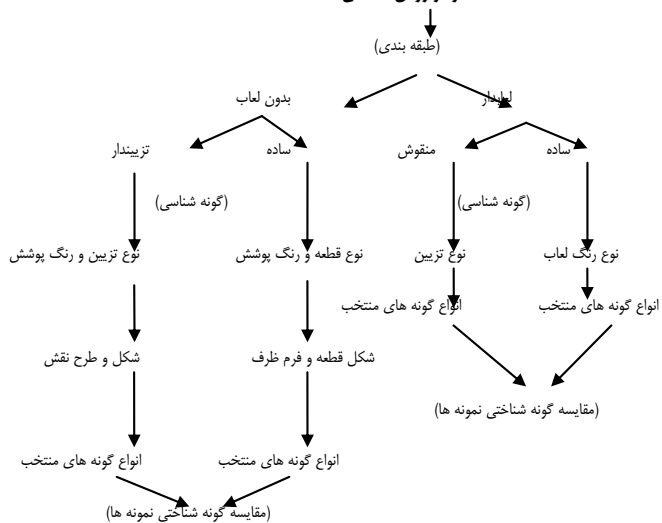
۷- جنوب غرب ایران

ارجاعات این حوزه مجموعاً شامل شش محوطه انتخابی می‌باشد که عبارتند از: دشت میاناب شوستر (خسروزاده و عالی، ۱۳۸۵: ۱۶۵)، شوش (پیشین، ۱۳۷۶: ۳۴)، چغامیش (پیشین، ۱۳۷۶: ۳۵)، مسجدسلیمان (پیشین، ۱۳۷۶: ۳۳)، بردنشانده (پیشین، ۱۳۷۶: ۳۳)، دستوا (پیشین، ۱۳۷۶: ۳۵). بطور کلی حوزه جنوب غرب ایران بیشتر از لحاظ شکل ظروف با نمونه‌های سفالین مورد مطالعه مشابهت دارند. نتایج آماری این تحقیق نشان می‌دهد که دشت میاناب شوستر و شوش بیشترین ارجاعات را داشتند. دستوا و بردنشانده کمترین وجوه اشتراک را با منطقه مکران داشت.

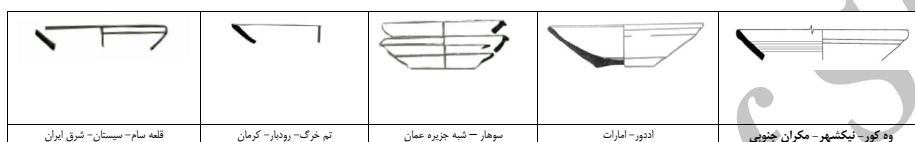
جنوب غرب ایران	دشت میاناب شوستر	(۵۵/۵۵٪)
۶/۸۵٪	شوش	(۲۵/۹۱٪)
ساده (۸۰٪)	مسجدسلیمان	(۹/۸۸٪)
	چغامیش	(۲/۷۱٪)
	بردنشانده	(۲/۴۷٪)
دارای تزئین (۲۰٪)	دستوا	(۲/۴۷٪)

جدول ۸: درصد نمونه‌های گونه‌شناختی شده در حوزه جنوب غرب ایران.

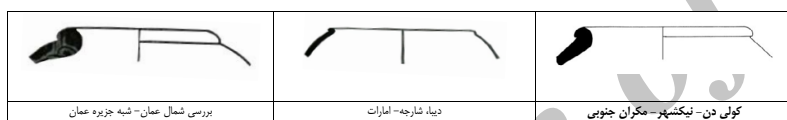
نمودار روش شناسی



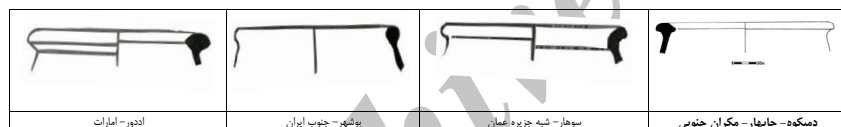
نمودار ۱-۱: نمودار روش شناسی طبقه بندی و گونه شناسی و مقایسه گونه شناختی.



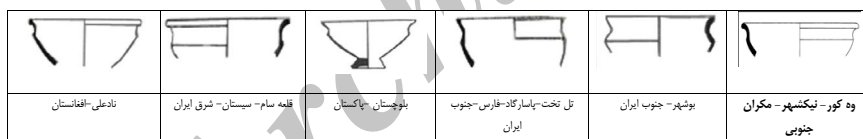
طرح ۱: (قدح^۱ - گونه بشقاب ماهی با لبه گرد ساده).



طرح ۲: (خمره - بدون گردن با لبه مفتولی سرپخ).



طرح ۳: (دیگ - لبه لوزی شکل و قسمت فوقانی لبه پخ و اریب به داخل).



طرح ۴: (کاسه - لبه ساده مقعر با زاویه ای زیر لبه و قسمت فوقانی لبه مایل به بیرون).



طرح ۵: (قدح - لبه لوزی شکل و قسمت فوقانی لبه تخت و اریب به داخل).

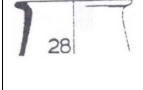


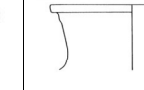


طرح ۶: (کوزه گردن دار - لبه باندی پهن).



طرح ۷: (خمره بدون گردن - لبه تخت سرپخ با بدنه کاملاً محدب).






۱. برای آگاهی بیشتر از گونه های غالب و فرم های ظروف نمونه های سفالین مذکور رک. (علیزاده: ۱۳۹۱).

			
بررسی شمال عمان - شبه جزیره عمان - سواحل دریای عمان	چارسد - پاکستان	دیه، شارجه - امارات - سواحل دریای عمان	شمسوجیب ۱ - چابهار - مکران جنوبی

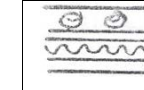
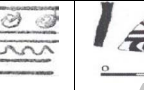


▶ **طرح ۸:** (کوزه گردن دار - لبه باندی کمی مایل به بیرون)

				
شمشیرغار - افغانستان	بررسی شمال عمان - شبه جزیره عمان - سواحل دریای عمان	تنب خرگ - رودبار - کرمان جنوب شرق ایران	تل تخت - پاسارگاد - فارس - جنوب ایران	تورهیت - نیکشهر - مکران جنوبی

▶ **طرح ۹:** (دو مثلث رو به پایین متشکل از خطوط متقاطع و مشبک)

				
سراسیاب - کرمان	سراسیاب - کرمان	علیزایی - بلوچستان پاکستان	دمیکوه - چابهار - مکران جنوبی	سه تم - رودبار - کرمان





▶ **طرح ۱۰:** (گونه لوندو - دواير حلزونی واژگونه میان خطوط افقی و زیگزاک موازی)

			
جنوب شرق ایران و منطقه ساحلی	قلعه خرگ - رودبار - کرمان - جنوب شرق ایران	شمال عمان - شبه جزیره عمان	چاه ننده - نیکشهر - مکران جنوبی

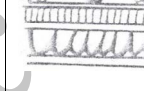
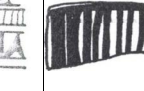
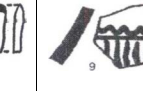


▶ **طرح ۱۱:** (گونه نمرد - حلقه های حلزونی افقی میان یک باند)

نامی باستانی ۱۹


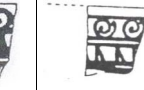
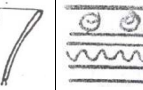
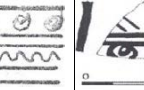

شماره ۳، دوره دوم، پاییز و زمستان، ۱۳۹۱

			
ته یچی - کرمان - جنوب شرق ایران	ناده علی - افغانستان	تنب خرگ - رودبار - کرمان - جنوب شرق ایران	کوشکک ۲ - نیکشهر - مکران جنوبی

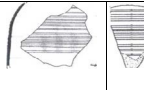
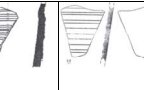

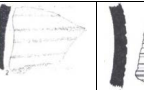
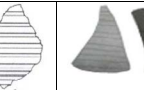
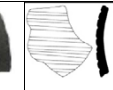
▶ **طرح ۱۲:** (گونه نمرد - دواير نقطه های توپیر افقی میان طرح های افقی)

				
جنوب شرق ایران و منطقه ساحلی	شمشیرغار - افغانستان	دمیکوه - چابهار - مکران جنوبی	دیه، شارجه - امارات - سواحل دریای عمان	گومیان - نیکشهر - مکران جنوبی

▶ **طرح ۱۳:** (خطوط عمودی موازی میان باند افقی)

				
بررسی شمال عمان - شبه جزیره عمان - سواحل دریای عمان	سه تم - رودبار - کرمان - جنوب شرق ایران	جنوب شرق ایران و منطقه ساحلی	تنب خرگ - رودبار - کرمان - جنوب شرق ایران	بارن دن ۱ - نیکشهر مکران جنوبی

▶ **طرح ۱۴:** (گونه نمرد - گونه نمرد - حلقه های حلزونی افقی میان یک باند)

					
ته گوری - سیستان - شرق ایران	کوه خواجه - سیستان - شرق ایران	خوزه زابل ۱ - سیستان - شرق ایران	دمیکوه - چابهار - مکران جنوبی	دیه، شارجه - امارات - سواحل دریای عمان	تنب خرگ - رودبار - کرمان - جنوب شرق ایران

▶ **طرح ۱۵:** (گونه شیاردار افقی)

نامی باستانی

شماره قلمبه	نوع قطعه	قدمت	ملاک سنجش				قابل مقایسه	ماخذ
			شکل لبه	فرم ظرف	سایر	توضیحات		
۱	لبه	اشکانی	شکل لبه	فرم ظرف	-	-	سوهار	Lecomte, 1993, fig3: 4
			شکل لبه	فرم ظرف	-	-	سوهار	Kervran and heibert, 1997, Fig 5: 13
			شکل لبه	فرم ظرف	-	-	قلعه سام-شرق ایران	هرینگ، ۱۳۷۶، شکل ۳۶۱
			شکل لبه	فرم ظرف	-	-	نخل ابراهیمی هرمزگان	Potts and roustaei, 2006, Fig 4.115: ts49 سرلک ۱۳۸۹، ۲۵۲، ۲۶۱، ۲۹۲
۲	لبه	هخامنشی-اشکانی	شکل لبه	فرم ظرف	پخت و شاموت	-	بردسیر	خسروزاده؟ طرح ۳- شماره ۴
			شکل لبه	فرم ظرف	-	-	شمال عمان	Decardi, 1972, Fig8:15
			شکل لبه	فرم ظرف	رنگ پوشش	-	دبیا، شارجه، امارت متحده عربی	Jasim, 2006, Fig27:9
۳	لبه	هخامنشی تا اشکانی	-	فرم ظرف	-	-	بوشهر	carter, challis, priestman, tofighian, 2004 Fig13:25
			شکل لبه	فرم ظرف	-	-	سوهار	Kervran, heibret, 1991, Fig 4:18
۴	لبه	سده یکم بهم تا سده دوم میلادی	شکل لبه	-	رنگ پوشش	-	چارسدا	wheeler, 1962, Fig 32: 285
			شکل لبه	-	فرم ظرف	-	قلعه سام-شرق ایران	هرینگ، ۱۳۷۶، شکل ۳۶۷
			شکل لبه	-	فرم ظرف	-	قلعه سام-شرق ایران	هرینگ، ۱۳۷۶، شکل ۳۶۸
			شکل لبه	فرم ظرف	-	-	بوشهر	Carter anc challis and priestman Fig13:2, and tofighian, 2004
۵	لبه	اشکانی	شکل لبه	فرم ظرف	-	-	شمال عمان	De cardi, 1972, Fig11:156
			شکل لبه	فرم ظرف	-	-	تپه یحیی	KarLovsky, 1970, Fig.I:P
			شکل لبه	فرم ظرف	-	نمونه مقایسه تزئین دار است	تپه گوری سیستان	Mehrafarin, Mousavi haji, Feys 2011, Fig9:No33
			شکل لبه	فرم ظرف	رنگ پوشش	-	نخل ابراهیمی هرمزگان	سرلک ۱۳۸۹:۱-۶، ۲۹۲
۶	لبه	اشکانی	شکل لبه	-	-	-	چارسدا	Wheeler, 1962, Fig47:504
			شکل لبه	فرم ظرف	رنگ پوشش	-	کهور لنگرچی-هرمزگان	خسروزاده و عالی، شکل ۳:۲
			شکل لبه	فرم ظرف	رنگ پوشش	-	نخل ابراهیمی هرمزگان	سرلک ۱۳۸۹:۱۸، ۲۳۷
۷	لبه	اشکانی	شکل لبه	فرم ظرف	رنگ پوشش	-	دبیا، شارجه، امارت متحده عربی	Jasim 2006, Fig26:9
			شکل لبه	فرم ظرف	-	-	شمال عمان	Decardi, 1972, Fig8:28
۸	لبه	اشکانی	شکل لبه	فرم ظرف	رنگ پوشش	-	نخل ابراهیمی هرمزگان	سرلک ۱۳۸۹:۲۱۶

▲ جدول ۹: گونه شناختی سفال‌های ساده (طرح شماره ۱ تا ۸) جدول ۱۰: گونه شناختی سفال‌های تزئین دار (طرح شماره ۹ تا ۱۵).

شماره قلمبه	نوع قطعه	قدمت	ملاک سنجش				قابل مقایسه	ماخذ
			نوع تزئین	نقش مایه	طرح نقش	توضیحات		
۹	بدنه	اشکانی	نوع تزئین	نقش مایه	طرح نقش	خطوط متقاطع	شمال عمان	Decardi, 1972, Fig8:10
			نوع تزئین	نقش مایه	طرح نقش	اریب سیدی، شکل	رودبار	سیدستجادی، ۱۳۷۰، تصویر ۳
۱۰	بدنه	اشکانی	نوع تزئین	نقش مایه	طرح نقش	خطوط متقاطع	بلوچستان	Decardi, 1951, Fig I:109
			نوع تزئین	نقش مایه	طرح نقش	فرم حلزون ها	نخل ابراهیمی هرمزگان	سرلک ۱۳۸۹: ۱۹۴
۱۱	بدنه	۴ تا ۶ میلادی	نوع تزئین	نقش مایه	طرح نقش	فرم دواپر حلزونی افقی بین	جنوب ایران و شرق امارات	Kennet, 2002, Fig6
			نوع تزئین	نقش مایه	طرح نقش	خط افقی	تپه یحیی	KarLovsky, 1970, Fig4
			نوع تزئین	نقش مایه	طرح نقش	فرم دواپر حلزونی افقی بین	شمال عمان	Decardi, 1972, Fig9:44
۱۲	بدنه	۴ تا ۶ میلادی	نوع تزئین	نقش مایه	طرح نقش	خط افقی	تنب خرگ رودبار	شهبساری، ۱۳۸۸، لوحه ۲۶:۱۲
			نوع تزئین	نقش مایه	طرح نقش	فرم خطوط	تپه یحیی	KarLovsky, 1970, fig4
۱۳	بدنه	اشکانی	نوع تزئین و رنگ	نقش مایه	طرح نقش	خطوط عمودی موازی میان باند افقی	جنوب شرق و منطقه ساحلی	هرینگ، ۱۳۷۶، شکل ۳۸۷
			نوع تزئین	نقش مایه	طرح نقش	خطوط عمودی موازی میان باند افقی	جنوب ایران و شرق امارات	Kennet, 2002, Fig6
			نوع تزئین	نقش مایه	طرح نقش	خطوط عمودی موازی میان باند افقی	بلوچستان	Decardi, 1951, Fig2:4
			نوع تزئین	نقش مایه	طرح نقش	خطوط عمودی موازی میان باند افقی	شمشیر غار	Dupree, 1958, Fig41: j
۱۴	بدنه	اشکانی	نوع تزئین	نقش مایه	طرح نقش	خطوط عمودی موازی و خطوط مشخص و نیمه عمودی سواری	شمال عمان	Decardi, 1972, Fig9:44
			نوع تزئین	نقش مایه	طرح نقش	-	بردسیر کرمان	خسروزاده، فصل دوم ۱۳۸۳، لوحه ۲۶:۱۰
۱۵	بدنه	اشکانی	نوع تزئین و رنگ	نقش مایه	طرح نقش	-	سیستان	موسوی حاجی عطایی، ۱۳۸۹، لوحه ۲۵:۹۲، ۱۲:۱۴، ۱۵، ۱۸
			نوع تزئین و رنگ	نقش مایه	طرح نقش	-	تپه گوری سیستان	سرلک ۱۳۸۹: ۱۲۰، ۲۳۸، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۴
			نوع تزئین و رنگ	نقش مایه	طرح نقش	-	کوه خواجه	Mehrafarin, muosavi, haji, Banjamali, 2011 Fig10:No.4

نتیجه گیری

بر اساس تحلیل ویژگی‌های کمی و کیفی گزارش‌های آماری که بر روی سفال‌های بدست آمده از بررسی‌های باستان‌شناسی شهرستان‌های چابهار و نیکشهر صورت گرفته، می‌توان گفت که مرکز اصلی یا یکی از مراکز اصلی تولید سفال در دوره اشکانی بخش مکران جنوبی بوده است. محوطه‌هایی همچون دمبکوه، فنوج، هزارمردی که برای اولین بار توسط اشتاین معرفی شدند و همچنین محوطه‌های دیگری از جمله تورهیت، هیتان، دملان، کوه مرکز به همراه فنوج و دمبکوه واقع در شهرستان چابهار و مرکز مکران از نظر سفال‌های جنوب شرقی ایران حائز اهمیت بسیارند. بدست آمدن آثاری از دوره اشکانی از جمله گورهای سنگ‌چین خاص پارتیان و وفور گورنهادها از جمله سفال‌های این دوره و سکه مربوط به سیناتروک در گورسنگی شماره III-ii^۱، از محوطه دمبکوه، شکی باقی نمی‌گذارد که این منطقه در دوره اشکانی با وجود دوری از دیگر بخش‌های ایران، نقش مهمی در تجارت بین شرق و غرب داشته است. با اتکا به مطالعات انجام شده و با توجه به مدارک و شواهد موجود باید اذعان نمود که منطقه مکران جنوبی نه تنها در دوره اشکانی بلکه در دوره‌های تاریخی دیگر و همچنین در دوره اسلامی یکی از مهم‌ترین مناطق تولید سفال بومی - منطقه‌ای بوده است. ما در این منطقه شاهد تداوم و استمرار سبک‌ها و سنت‌های دیرپای سفالگری اعم از فرم، تکنیک‌های تولیدی و تزئینی و نوع کوره‌ها از دوره پیش از تاریخ تا عصر حاضر هستیم. به تعبیر دیگر، منطقه مکران از یک سبک فرهنگی خاص سفالگری برخوردار است که از ادوار کهن تا عصر حاضر تداوم داشته است. چنانکه در منطقه کلپورگان در سراوان واقع در بخش‌های شمالی منطقه مکران هنوز از چرخ‌های بطئی و کند گردش صفحه‌ای بزرگ از جنس سفال جهت ساخت و تولید برخی فرم‌های سفالی استفاده می‌شود.^۴ در فرهنگ سفالگری این منطقه، ادبیات سفالگری بومی نیز از غنای ویژه‌ای برخوردار است.^۵ در سنت سفالگری بومی منطقه هنوز تولید سفال‌های منقوش سبک پیش از تاریخی با همان تکنیک‌ها و ابزارهای اولیه تزئینی مثل محلول گل اخرا و یک قطعه چوب، رواج دارد که عموماً تزئین سفال‌ها توسط زن‌ها انجام می‌شود و تحت عنوان سبک سفال کلپورگان معرفی می‌شود. این مسئله می‌تواند به بکر ماندن صنعت سفال‌گری منطقه اشاره داشته باشد؛ چنانکه در گذشته نیز شاید این گونه انجام می‌شده است.

نتایج مقایسات گونه‌شناختی نشان می‌دهد که وجوه اشتراک میان سفال‌های منطقه مکران و مناطق هم‌جوار و همچنین تفاوت آن‌ها با مناطق دوردست، گویای ارتباطات گسترده میان این مناطق با یکدیگر است. کرمان، پاکستان و سواحل جنوبی دریای عمان بیشترین تشابهات را در این میان دارند. همچنین ذکر این نکته نیز ضروریست که سفال این منطقه به کیفیت و سطحی پایای تولید می‌شده و در مبادلات جنوب شرق و منطقه ساحلی قرار می‌گرفتند. منطقه مکران (بلوچستان) جنوبی ایران در تاریخ مطالعات باستان‌شناسی، نسبت به دیگر مناطق

۳. (هرینک ۲۴۱:۱۳۷۶).

۴. گفتگوی حضوری با اهالی منطقه (امیری، ۹۱/۱۲/۱).

۵. گفتگوی حضوری با اهالی منطقه (بربری، ۹۱/۱۲/۲۰): برای فرم‌های سفالی، واژگان خاص بکار می‌رود. از جمله در گویش بومی منطقه به تکه سفال «کچول» و به کوزه «کوزگ»، به کاسه «کاسگ» و به خمره «هوب» گفته می‌شود.

کمتر مورد توجه قرار گرفته و این درحالیست که جنوب شرق به دلیل موقعیت حساس ژئوپلیتیکی، بستر شکل‌گیری استقرارهای انسانی گسترده از ادوار پیش از تاریخ تا امروز بوده است. مکران یکی از محورهای هسته‌های مرکزی سواحل شمالی دریای عمان بوده است. احتمالاً در مکران جنوبی با ایجاد بندرگاه‌های تجاری در شهرهایی مانند تیس و چابهار امروزی و با هدف اعمال مدیریت سازمان یافته بازرگانی - دریایی بین‌المللی و فرمانطقه‌ای، که ضمانت اجرایی آن را همچون امروزه نیروی حکومتی - نظامی تثبیت می‌نمود با مناطق هم‌جوار دریایی و غیردریایی مکران جنوبی مراودات تجاری و فرهنگی برقرار نمودند. در مقایسه با شواهدی از لایه I و IA و II در تپه یحیی و همچنین محوطه‌های مهم اشکانی از قبیل تپه گوری در سیستان و نخل ابراهیمی در میناب، نمونه‌های سفالین مطالعه شده محوطه‌های منطقه مکران می‌توانند به اوایل دوره اشکانی و اواخر آن تاریخ‌گذاری شوند.

منابع

۱. حمیدی، قربانعلی، رضانی فرد، محسن، ۱۳۸۵، "گزارش مردم‌شناسی شهرستان نیکشهر"، چاپ نشده و محفوظ در آرشیو میراث فرهنگی شهرستان نیکشهر.
۲. خسروزاده، علیرضا، ۱۳۸۳، "گزارش بررسی باستان‌شناسی شهرستان بردسیر"، فصل اول، پژوهشکده باستان‌شناسی: تهران (منتشر نشده).
۳. خسروزاده، علیرضا، عالی، ابوالفضل، ۱۳۸۵، "توصیف، طبقه‌بندی و گونه‌شناسی سفال‌های دوره سلوکی و اشکانی بررسی‌های باستان‌شناسی میاناب شوشتر"، به کوشش عباس مقدم - سازمان میراث فرهنگی و گردشگری و پژوهشکده باستان‌شناسی، صص ۱۶۴-۲۴۸، تهران.
۴. خسروزاده، علیرضا، عالی، ابوالفضل، کنت. درک، پریستمن. وست، ۱۳۸۵، "کهورلنگرچینی بندرگاهی اشکانی بر ساحل خلیج فارس"، گزارش‌های باستان‌شناسی (۵)، پژوهشکده‌ی باستان‌شناسی، چاپ نخست، تهران، صص ۷۰-۵۵.
۵. "سالنامه آماری استان سیستان و بلوچستان"، ۱۳۸۸، ناشر معاونت برنامه ریزی استانداری سیستان و بلوچستان، زاهدان.
۶. سرلک، سیامک، ۱۳۸۷، "گزارش نخستین فصل کاوش‌های باستان‌شناختی محوطه نخل ابراهیمی (مغ بریمی) شهرستان میناب استان هرمزگان"، مجله پارسه گرد، سال هفتم، شماره ۷، صص ۲۸-۴۵، پاییز و زمستان.
۷. سیدسجادی، سید منصور، ۱۳۷۰، "معرفی دو گونه سفال جدید از منطقه کرمان"، مجله باستان‌شناسی و تاریخ، سال پنجم، شماره دوم، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، صص ۳۸-۵۱، بهار و تابستان.
۸. شهسواری، میثم، ۱۳۸۸، "بررسی باستان‌شناسی تنب خرگ رودبار"، پایان‌نامه کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، زاهدان، دانشکده ادبیات دانشگاه سیستان و بلوچستان، منتشر نشده.
۹. شیرازی، روح‌الله، ۱۳۸۷، "گزارش بررسی باستان‌شناسی شهرستان نیکشهر و چابهار"، محفوظ در آرشیو میراث فرهنگی و گردشگری سیستان و بلوچستان، چاپ نشده.

۱۰. **علیزاده، فاطمه، ۱۳۹۱،** "مطالعه‌ی نمونه‌های سفالین دوران اشکانی بلوچستان (موردشناسی: سفال‌های سطحی شهرستان‌های چابهار و نیکشهر)"، دانشکده ادبیات دانشگاه سیستان و بلوچستان.
۱۱. **مرکز آمار ایران،** "سرشماری نفوس و مسکن": آبان ماه ۱۳۵۵، تهران، ۱۳۵۹
۱۲. **ملک رئیسی، حسین، ۱۳۸۵،** "چابهار بندر اقیانوسی ایران"، انتشارات تفتان، چاپ اول.
۱۳. **مهرآفرین، رضا، موسوی حاجی، سید رسول، پاییز ۱۳۸۸،** "عبور از گذروزیبا"، پژوهش‌های تاریخی (علمی - پژوهشی) دانشکده ادبیات و علوم انسانی - دانشگاه اصفهان، دوره جدید، شماره ۳، صص ۵۵-۶۶
۱۴. **مهرآفرین، رضا، ۱۳۸۶،** "حفاری و گمانه‌زنی تپه گوری سیستان"، آرشیو پژوهشکده باستان‌شناسی کشور، (منتشر نشده).
۱۵. **موسوی حاجی، سید رسول، عطایی، مرتضی، ۱۳۸۹،** "مطالعه مجموعه‌ای از نمونه‌های سفالین سیستان"، سازمان میراث فرهنگی، زاهدان، چاپ اول.
۱۶. **هرینگ، ارنی، ۱۳۷۶،** "سفال ایران در دوره اشکانی"، ترجمه حمیده چوبک، معاونت معرفی و آموزش سازمان میراث فرهنگی، چاپ اول.
17. **Basafa, H., 2008.,** A New perspective on Dambakoh site In south East Iran, Iranicl Antiqua, vol, XLIII, P.P 185-204.
18. **Carter.R.A, Challis , S.M.,N.,Preistman, and H. Tofighian, 2004,** The Bushehr Hinterland Resulis Of The first season of The Iranian-British Archaeological. Suevey of Bushehr Province, november-december, journal of Persian stadies, p.p 20-31.
19. **Dales. George.f. 1977,** new Excavations At nad-ALI (Sorkhdagh), afghanistan, Research monographseries, NO. 16 february.
20. **Decardi, B, A, 1975,** Archaeological Survey in Northern Oman, 1972. East and West, 25:9-76.
21. **Dupree, louis, 1972.** ShamshirGhar: Historic Cave site in Kanda-har province Afahanestan, Anthropological papers of the Amirican Museum of Natural History, Vol.46, part 1, 1958. Goles), ISTITUTO ITALIANO PER IL MEDIO ED ESREMO ORIENTE (ISMEO).
22. **Jasim, S., 2006,** Trade centres and commercial routes in the Arabian Golf: post- Hellenistic discoveries at Dibba, sharjah, united Emirates, Arabian archaeology and epigraphy, p.p 214-237.
23. **Karlovsy.L., Humphries.J., 1968,** the cairn Burials of south eastern Iran", East and west 18, p.p 269- 276.
24. **Karlovsy.L., Humphries.J., 1968,** the cairn Burials of south eastern Iran", East and west 18, p.p 269- 276.
25. **Khosrowzadoh, A. and M.Zaidi. 2006** "chapter3- Excavation at tol-e nurabad-trench B" ,D.T.Potts and K.Roustaei (eds), the mama-sani archaeological project stagel: A report on the first two seasons of the Icar-university of Sydney Expedition to the mamasani district, fars province, Iran, Iranian center for Archaeological Reseach: Tehran, p.p 31-132 .
26. **Lamberg ,karlovsy, C.C., , 1970,** Excavations at Tepeyahya, Iran, Bulletin of American school of prehistovic Research 27, Cambridge, M A: peabody museum of Archaeology and Ethnology.

27. **Lecomte.O., , 1993**" Ed- Dur, Lesoccupations des 3e et 4es. ap.J.C, Contextedes trouvaillset mate vieldiayhstique,Deutsches Archaologisches Institut Abteilung Baghdad, p,p 195-217.

28. **Mehrafarin.R.,Mousavi-Haji.S.R.,Banijamali.S.L 2011.,** Archaeological survey of kooh-e khajeh in systan, the international Journal of Humanities,p.p 43-65 vol18 Number1-winter.

29. **Preistman.S., Simpson. J,"Parthian,** sasanian and Early Islamic pottery: dating, definition and distribution-A Specialist workshop at the British mulseum,

30. **Stein, A, 1937,** Archaeological Reconnaissance in northwestern India and south-Eastern Iran, London.

31. **Wheeler,sirmortimer, 1962,** charsada, London, oxford university press.

Archive of SID

نامی باستانی ۲۴

شماره ۳، دوره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۱

Parthian Pottery of Mokran and its Similarity with Neighbor Regions

Dr. Reza Mehr Afarin

Associate Professor, Mazandaran University

Fatemeh Alizadeh

M.A in Archaeology, Lecturer at Dept. of Archaeology, Jiroft University

Fatemehalizadeh28@yahoo.com

Dr. Rouhollah Shirazi

Assistance Professor, Sistan & Baluchistan University

Abstract

Southern Baluchistan so-called Mokran is a varied land naturally and geographically. Especial geographic situation of the region as the natural pathway of Indian subcontinent has attracted people from old times and had been mentioned as "Makka" in the cuneiform inscription of Darius the Great in Bisotun. The Mokran district is divided into two main parts includes two cities, as Nikshahr in north and Chābahār in South lying along the northern beach of Oman Sea which has been of the most important cities of Mokran state for a long time commercially. Based on the study of 889 sherds taken from archaeological surveys in Nikshahr and Chābahār under the the supervision of Rouhollah Shirazi, the existing historical settlements indicates the splendor and glory of the region and show the significant presence of Iran in the beaches of Mokran Sea during the Parthian period. This article has analyzed the comparison results of their diagnostics typologically. According to the Statistical analysis reports of this results and comparing them to typical samples in Southern Baluchistan with adjacent regions, it can be said that beaches of southern Makkoran (Iranian Baluchistan) in Parthian period had extensive Cultural communications with adjacent regions over Persian Gulf beaches and Oman sea such as: U.A.E (Ed Dur, Sharjah, Dibba) , Oman (Suhar), Hormozgan in southwest and Pakistan in southeast as well.

Keywords:

Pottery Making, Southern Mokran, Pottery, Parthian Period, Cultural Interaction, Typological Pottery Comparison.